فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره نوزدهم. بهار ۱۳۹۷، صص۳۲۵-۳۰۳ Vol 2. No 19. 2018, p 303-325
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی نظام های حرفه ای در جمهوری اسلامی ایران

مهدی مراد زاده[۱]. اکبر طلابکی[۱]*
[۱] گروه حقوق عمومی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

چکیده
گذشت زمان نظریه‌های متفاوتی را در منشأ دولت‌ها و حکومت‌ها شکل داد و حرکت روبه جلو در زمان از عصر کلاسیک تاحکومت دینی ودوران رنسانس در مغرب زمین و حضور ماشینیزم و مدرنیته و شکل‌گیری دیدگاه انسان گرایی، آگاهی و ظهور اندیشمندان و نظریه پردازان در حوزه حقوق عمومی که سعی در شناخت وتعریف ماهیت حکومت و دولت داشتند، قدرتها را برآن داشت تا جهت حفظ مشروعیت خود مبانی فکری دست و پا کرده یا حتی به مبنا سازی روی آورند. از طرفی اندیشه مندان حقوق عمومی غربی و بخش فرهیخته و آگاه سعی در بدست آوردن بخشی از قدرت گرفته شده بر آمدند. نظامهای حرفه ای جایگاه ویژه ای در نظام حقوقی کشور دارند و به دلیل نقشی که در ساماندهی مشاغل آزاد ایفا می‌کنند به منزله حلقه واسطی میان دولت و مردم انجام وظیفه مینمایند میتوان آنها را از منظر حقوق عمومی بررسی نمود. مشاغلی که این نهادها به ساماندهی آن میپردازند از جمله مشاغلی هستند که نه در گروه حرفه های کارگری ونه در شمار مشاغل دولتی به حساب میآیند و همین امر موجب پیچیدگی مباحث آنان گردیده است.

واژه‌های کلیدی: سازمان های حرفه ای، نظریه، حکومت، مشاغل آزاد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه

گذشت زمان نظریه های متفاوتی را در منشأ دولتها و حکومتها شکل داد و حرکت روبه جلو در زمان از عصر کلاسیک تاحکومت دینی ودوران رنسانس در مغرب زمین و حضور ماشینیزم و مدرنیته و شکل‌گیری دیدگاه انسان گرایی، آگاهی انسانها و ظهور اندیشمندان و نظریه پردازان در حوزه حقوق عمومی که سعی در شناخت وتعریف ماهیت حکومت و دولت داشتند، قدرتها را برآن داشت تا جهت حفظ مشروعیت خود مبانی فکری دست و پا کرده یا حتی به مبنا سازی روی آورند. از طرفی اندیشه مندان حقوق عمومی غربی و بخش فرهیخته و آگاه سعی در بدست آوردن بخشی از قدرت گرفته شده اجتماع از دولت بر آمدند. تحولات و جابه جایی قدرت و ثروت در بین طبقات مختلف و حتی خرید بخشی از قدرت توسط طبقه غیر اشرافی که با تجارت در شرق موجب ثروتمند شدن آنها گردیده بود واشرافی که به ثروت های جدید چشم داشتند باعث به دست آوردن بخشی از قدرت توسط کسانی غیر از حلقه حکومت گردید. همچنین ظهور نظریه حاکمیت قانون وقانون مندی نخبگان حقوق عمومی را به نظریه نهادهای واسطه برای ارتباط با دولت قدرتمند نسبت به افراد رساند. تا با تاسیس اجتماعات دایم و حرفه ای ارتباط راحت تری با حکومت بر قرار کند.

از همین رو در چند قرن اخیر به دنبال گسترش نقش نظارتی دولت و اهمیت یافتن نقش صاحبان مشاغل آزاد در حیات جامعه، دولتها نیز در عرضه سازماندهی حقوقی این گونه حرفه‌ها بی‌آنکه کارمند دولت باشد، ناگزیر از پذیرش پاره‌ای از ضوابط دولتی و مسئولیت در مقابل آن گشته‌اند، بدین ترتیب ماهیت مسائل حقوقی مربوط به این گونه حرفه‌ها نظامهای صنفی حرفه‌ای ترکیبی از مسائل خصوصی و ضوابط حقوق عمومی گردیده است. بررسی و تحلیل مبانی حقوقی نظامهای حرفه‌ای در ایران اقدام پژوهشی نوینی در میدان مطالعات نظری حقوق عمومی به شمار می‌آید، چرا که از یک سو مباحث مربوط به این نظام‌ها بیشتر در لابه‌لای مباحث حقوق اداری محجور مانده است و توجه کافی به آن مبذول نگردیده است و از سوی دیگر در سالهای اخیر با تغییر نگرش به بخشهای مختلف اقتصادی در ایران و توجه هرچه بیشتر به ضرورت مشارکت بخشهای غیر دولتی در پویایی اقتصاد، شاهد گسترش نقش پاره‌ای از این گونه کانونها می‌باشیم.

پیشینه تحقیق

رمضان پور و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان نظام های حرفه ای در جمهوری اسلامی ایران می‌نویسند: قوانینی که براین نهادها بار می شود نیز قوانین حقوق عمومی است با توجه به اهمیت این نهادها و شکل گیری آنها توسط قانون، همین قانون به این نهادها اختیاراتی داده از جنس اختیارات حکومت پس قاعدتا قوانینی هم که بر این نهادها حکم میکند از جنس قوانینی است که بر اعمال حکومتی حاکم است به این دلیل این نهادها را اشخاص حقوقی حقوق عمومی میدانند "نظام های حرفه ایی را موسسات عمومی یا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اشخاص حقوقی حقوق عمومی محسوب میکنند و قانونگذار برای تنظیم امور حرفه ایی به این سازمانها، اختیارات قدرت عمومی داده است.

استوار سنگری و امامی (۱۳۸۹) در کتابی تحت عنوان حقوق اداری می نویسند: از دیدگاه حقوقی این نهادها به شکل اشخاص حقوقی می باشند که منشا خود را از قوانین می گیرند اما این اشخاص در حوزه حقوق عمومی هستند یا خصوصی یعنی قوانین حاکم بر آنها قوانین حاکم بر اشحاص حقوق خصوصی (قوانین حاکم بر روابط اشخاص) است یا قوانین حاکم بر حقوق عمومی (قوانین حاکم بر روابط مردم و دولت وسازمانهای دولتی با یکدیگر) ؟ این نهادها از منظر حقوق عمومی جایگاهی دارند بین دولت و مردم تا روابط آسانتری بین این دو نهاد شکل بگیرد. ".

مبانی نظام های حرفه ای

گفتار اول: مبانی

سیر اندیشه‌های سیاسی نشان می‌دهد که جامعه مدنی برمحوریت ائتلاف افراد انسانی دور می‌زند. این ائتلاف یا نشأت گرفته از طبیعت اجتماعی انسانها می‌باشد که در این صورت جامعه مدنی همان جامعه طبیعی است که به صورت جامعه «دولت- شهر» در آمده است و یا اینکه جامعه طبیعی اولیه با اینکار خردمندانه اعضای خود مبدل به جامعه سازمان یافته‌ای شده است که افراد در اندرون آن احساس امنیت، آزادی، و آرامش خاطر کنند. تفاوت عمده یک جامعه مدنی با یک جامعه به ظاهر دموکراتیک در ارکان اصلی ان جامعه مدنی جلوه می کند، این ارکان شامل احزاب سیاسی جمعیتهای اجتماعی و فرهنگی، انجمنهای هنری و حرفه ای، تشکلهای صنفی و مطبوعات مستقل می‌باشد. از نظر اندیشمندان قرن‌های هفدهم و هجدهم افراد انسانی گرچه اجتماعی و نیازمند حکومت هستند ولی در مقابل حکومت آن قدر ضعیفند که توانایی مقابله با قدرت کبریایی آن را ندارند لذا توصیه می‌کنند، که نباید فرد را در مقابل حکومت تنها گذاشت و باید هیات‌های حائل یا نهادهای واسطه به منزله رابطه و وزنه تعادلی که می‌توانند افکار و اندیشه‌های متنوع مطرح را در جامعه نهادینه سازند، و بدین وسیله راه‌گشای گفتگوی منطقی و مسالمت‌آمیز در یک نظام کثرت‌گرا و دموکراتیک شوند وجود داشته باشند. انجمن‌ها، مجامع شغلی و صنفی، احزاب سیاسی و شوراهای محلی نمونه‌های برجسته از این نهادهای واسطه به شمار می‌روند، که در صورت داشتن استقلال می‌توانند سد محکمی در مقابل اقتدار حکومتی باشند و بدین ترتیب آنها را در جهت حفظ حقوق شهروندان کنترل کنند. از دیدگاه حقوقی این نهادها به شکل اشخاص حقوقی می‌باشند که منشا خود را از قوانین می گیرند. در برخی متون بین المللی از اینگونه از نهادها به سازمان های مردم نهاد نیز تعبیر می‌شود. و در تعریف آن این چنین آورده اند که سازمان مردم نهاد، سازمانی است که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی شود اما نقش بسیار مهمی بعنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفاء می کنند. مساجد، تکایا، هیأت‌های مذهبی و. . . را به عنوان نهادهای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

غیر دولتی سنتی و قدیمی شناسایی نموده اند و پس از آن، صندوق قرض الحسنه، خیریه ها، انجمن اسلامی و حتی دوره های فارغ التحصیلی و در دوران اخیر اتحادیه‌ها، اصناف و نظام های صنفی و مهندسی و غیره، شکل‌های جدیدتری از این نهادهای مدنی هستند که البته می بایست رفته رفته از تحت کنترل مدیران نیمه دولتی خارج شوند و کاملاً به عنوان یک سازمان غیر دولتی مشغول به فعالیت باشند.

در مجموع در تعریف نظام حرفه ای می توان گفت نظام آن دسته از تشکیلات و سازمانهای هستند که توسط صاحبان حرفه معین در هر بخش وبه منظور دفاع از حقوق صنفی اعضاء و برقراری نظم و انضباط در بین آنها ایجاد می‌شود[1]در حقوق ایران مصداق های بارز نظام های حرفه کانون وکلای دادگستری، نظام پزشکی، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، کانون سردفتران رسمی، ونظام صنفی است این امور بر طبق قانون جزء خدمات عمومی محسوب شده و تنظیم و اداره آنها به عهده سازمان هایی گذاشته شده که نظام حرفه ای نامیده می‌شوند. به موارد گفته شده می‌توان نظام پرستاری، نظام روانشناسان، انجمن صنفی مترجمان، نظام مهندسی معدن را اضافه کرد. که این تعداد با توجه به شرایط اجتماعی رو به افزایش است.

اهداف و فلسفه سازمان‌های حرفه ای

گفتار اول: نگاهی بومی - تاریخی به ریشه نهاد حرفه ای در ایران

در جامعه ایران در در کنار نهادهای اجتماعی و حکومتی مانند نهاد دینی، نهاد بازاربه عنوان نهادی اقتصادی شکل گرفته که در اکثر اجتماعات بزرگ و شهرهای مهم کشورنقشی تعیین کننده داشته است. نهاد اقتصادی بازار دارای فرهنگ خاص خود بوده که عرف خاص بازار گاه منبع شکل گیری حقوق نیز بوده است دکتر بهمن کشاورز در کتاب سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران وفقه اسلامی به نقل از فرهنگ آنندراج، اولین بار نام سرقفلی را در بازار اصفهان یافته و از ان تعریفی ارایه می‌دهد در حالی که نه در فقه نشانی از آن بوده و نه در قوانین اولیه ایران. از سوی دیگر می دانیم که اکنون نیز حق سرقفلی و حق کسب و پیشه از مسایل قابل بحث حقوقی کشور هستند. لذا نقش نهاد اقتصادی بازار و فرهنگ آن در معادلات اجتماعی در کشور از اسطوره کاوه آهنگر که قیام خود را از حجره آهنگری اش شروع کرد و چرمی که بر سر چوب کرد تا انقلاب مشروطیت و انقلاب ۱۳۵۷ و حتی بوجود آمدن احزابی قدرتمند و تاثیر گذار مانند حزب موتلفه ایران و اعتصابات و. . . غیر قابل انکار است. به عنوان مثال بازار های سنتی در شهرهای بزرگ ایران خود به راسته ها یا بخش‌هایی تقسیم شده است مانند راسته مسگران، راسته زرگران، راسته بزازان و. . . . که ضمن تعریف طبقه اجتماعی صاحبان مشاغل در این راسته‌ها باعث می شده تا این شغل ها سازمان یافته شده و مراجعه ارباب رجوع و استفاده از خدمات آسان تر بوده و حجره های افراد دارای نظم خاص خود باشد. که این اهداف، همان اهدافی است که باعث

۱. استوار سنگری، کورش، امامی، محمد، حقوق اداری، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بوجود آمدن نظام های حرفه ای به شکل نوین در غرب شده و از آن کپی برداری شده است. این که نظام حرفه ای قدرتمند و عرفی کشور چرا خود به چنین بلوغی نرسیده ادهای امروزی شکل نگرفت، بدون شک بی ربط به نوع حکومتها در تاریخ کشور و عوامل دیگر نیست که در این نوشته نمی‌گنجد و ذکر این مطالب تنها به منظور توجه به وجود عرفی نهادهای حرفه ای در جامعه ایران است و عدم توجه به آنها در شکل گیری نهادهای حرفه ای به شکل نوین.

نظام های حرفه ای در قانون ایران

در اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گفته شده " احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. " برای تحقق این اصل، تاسیس نهادهای حرفه ای مستلزم قانون است و قانون نظام صنفی قانونی است که سعی می‌کند کلیت مقررات نظام های حرفه ای را در بر بگیرد اما حرفه های خاصی با توجه به اهمیتشان خود دارای قوانین خاص هستند.

در قانون ایران پیش از این که به نظام حرفه ای پرداخته شود (یعنی شکل و چارچوب کلی و قابل انعطافی برای آن ترسیم شود) بیشتر به شرایط حرفه مورد نظر و ساختار تشکیلاتی آن می پردازد. البته این به آن معنی نیست که به قواعد کلی نمی پردازند. مثلا در قانون نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۵ فصل‌های زیر پیش بینی شده است.

فصل اول- تعریف، اهداف دوم- وظایف و اختیارات سوم شرایط ارکان چهارم- ارکان پنجم- انتخابات ششم هیاتهای انتظامی پزشکی. به هر حال در قوانین مربوط به نظام حرفه ای در ایران تعریف یکسانی از نظام حرفه ای نکرده اند، برخی از قوانین موجود نظام حرفه ای را به عنوان تشکیلات حرفه یا شغل معین، موضوع قانون در نظر گرفته اند و برخی منظور از نظام حرفه ای را مقررات مربوطه به یک شغل بیان کرده اند. به هر حال طبق قانون مادر، «نظام صنفی قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان، وظایف، اختیارات، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قانون تعیین می‌کند که در این جا نظام را به معنی قوانین و مقررات دانسته است.

- وزارت دادگستری در تهران وسایر مراکز استان با توجه به تعداد دفاتر اسناد رسمی و سایر مقتضیات محلی کانون سردفتران و دفتریاران را تحت نظارت خود تشکیل خواهد داد کانون دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و از نظر نظامات تابع وزارت دادگستری خواهد بود. موادی از قوانین نهادهای حرفه‌ای سعی کرده تعریفی از آن ارایه دهد به موادی ازاین قوانین می پردازیم:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ماده ۱ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران می گوید: سازمان نظام پزشکی سازمانی است مستقل دارای شخصیت حقوقی که به منظور تحقق بخشیدن‌به اهداف و انجام وظایف مقرر در این قانون تشکیل می گردد.

نظام مهندسی معدن: عبارت است از مجموعه تشکیلات سازمانها، تشکل‌های صنفی مهندسی حرفه‌ای، اشخاص حقیقی و حقوقی و مجموعه قوانین و مقررات آیین‌نامه‌ها و استانداردها در بخش معدن.[۲]

ماده ۱- سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: سازمان نظام پرستاری سازمانی است مستقل دارای شخصیت حقوقی که به منظور تحقق بخشیدن به اهداف و وظایف سازمان «مقرر در این قانون» تشکیل می شود.

ماده ۱ـ سازمان نظام روانشناسی و مشاورهٔ جمهوری اسلامی ایران یک سازمان غیر دولتی و مستقل است که به منظور تحقق بخشیدن به اهداف و انجام وظایف مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد. همانطور که ملاحظه می گردد در همه این تعریف‌ها یک تعریف کامل از نهادهای حرفه ای نشده است

تقسیم بندی نظام های حرفه‌ای:

نظامهای حرفه ای هم مثل دیگر نهادهای عمومی و خصوصی دارای تقسیم بندیهای مختلفی است که با توجه به نوع تشکیل و فعالیت انها را از هم متمایز می نماید که به دو نوع نظام صنفی ویژه و نظام صنفی عادی تقسیم می‌شوند.[۳]

بند اول: نظام صنفی ویژه:

صنوفی در این نظامهای صنفی قرار می‌گیرند که قانونگذار برای هرکدام از آنها و به طور جداگانه اقدام به وضع قانون خاص یا ویژه نموده است، مصادیق این نظامها در حقوق ایران عبارتند از: کانون وکلاء، کانون کارشناسان، کانون سر دفترداران.

بند دوم: نظام صنفی عادی:

در این نظامها صنوفی قرار می‌گیرند که قانونگذار همه آنها را تحت شمول یک قانون واحد قرارداده است این صنوف به چهار دسته عمده تقسیم می‌شوند:

۱- صنوفی تولیدی: آن دسته از صنوفی هستند که فعالیت و خلاقیتهای آنان منجر به تغییر فیزیکی و یا شیمیایی گشته و منحصراً تولیدات خود را مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار مصرف کننده قرار می‌دهد.

---

۱. ماده۱قانون معادن مصوب۱۳۷۷/۲/۲۷

۲. رمضان پور، رحمان؛ زارع ظسوجی، سجاد؛ رنجبر، ابوریحان (۱۳۹۱)، نظام های حرفه ای در جمهوری اسلامی ایران، پایگاه حقوقی، حق گستر، ص ۳ ادرس سایت: http://www.blogylaw.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲- صنوف خدمات فنی: آن دسته از صنوفی که فعالیت آنان به رفع عیب و نقص و نگهداری کالا می گردد یا اشتغال به آنها مستلزم داشتن صلاحیت فنی لازم باشد صنوف خدمات فنی نامیده می‌شوند.

۳- صنوفی توزیعی: به آن دسته از صنوفی که صرفاً نسبت به عرضه کالا از محل واردات یا تولیدات داخلی اقدام - می‌نمایند بدون آنکه در تولید کالا یا تغییردادن کیفیت آن نقشی داشته باشند، صنوف توزیعی نام دارد.

٤- صنوف خدماتی: آن دسته از صنوفی که با فعالیتهای خود قسمتی از نیازهای جامعه را تامین نموده و این فعالیت در زمینه تبدیل مواد به فراورده یا خدمات فنی نباشد، صنوف خدماتی نامیده می‌شود.

غیر از مشاغل و حرفی که دارای قانون خاص ناظر بر تشکیلات خود هستند، هر شغل یا حرفه دیگری و به طور عمومی سایر مشاغل در چارچوب نظام صنفی قرار می گیرد و بایستی بر اساس قوانین و مقررات نظام صنفی به ساماندهی مشاغل خود بپردازند.

فلسفه و اهداف

بند اول: فلسفه تشکیل نظام های حرفه ای:

اولین دلیل ظهور و شکل گیری نهادهای حرفه ای طبقه وجایگاه قرار گیری آنها در حوزه حقوق عمومی است یعنی واسطه بین مردم و حکومت. اگرچه اهداف برای هر تشکلی می‌تواند متفاوت باشد اما آنچه که تقریباً در مورد همه آنها صدق می کند این است که تشکلها عبارت هستند از سازمانهایی که دارای حرف و صنعت گوناگون می باشند، این گونه سازمانها در حقیقت برای دفاع از حق و حقوق خودشان تشکلی را به وجود می‌آورند، چنانچه جامعه‌ای دموکراتیک باشد و برای مردم ارزش قائل باشد غالباً در چنین جوامعی تشکلها شکل می‌گیرد. وجود چنین تشکلهایی که برگرفته از مردم است باعث می‌شود که کارهای توسعه‌ای دولت و کلاً کارهایی که بار مالی زیادی را برای دولت دارد به دوش چنین تشکلهایی گذاشته شود و دولت وقتش را صرف امور دیگری کند. همچنین مشخص است که گردهمایی یک گروه یا جمعیت، توان بالاتری برای انجام کارها به گروه یا انجمن می‌بخشد، بنابراین یک هدف اصلی دیگر از تشکیل چنین نهادهایی کمک به گردش بهتر در کارهای تولیدی و تسهیل در کار افراد آن مجامع است.

بند دوم: اهداف نظامهای حرفه ای:

الف: اهداف اصلی:

۱- ایجاد مکانیزمهای مناسب برای کنترل صنوف از سوی دولت: سازماندهی صنف‌هی گوناگون ایجاد کننده مکانیزمی است که علاوه بر تسهیل کنترل اصناف گوناگون، دولت را نیز در تحقق اهداف دیگری که در نتیجه این نوع کنترل تعقیب می‌نماید، یاری خواهد نمود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲- شرکت در اعمال حاکمیت: اعمال حاکمیت در مقابل اعمال تصدی قرار می‌گیرد، بعبارت دیگر اعمالی را که دولت از نقطه‌نظر حقوقی مشابه اعمال افراد عادی انجام می‌شود، اعمال تصدی نام دارد، و سایر اعمالی را که مختص دولت بوده و ازنظر حقوقی مشابه اعمال افراد عادی نمی‌تواند باشد اعمال حاکمیت نام دارد .

مواردی مثل وضع آیین‌نامه، تصویب نامه محاکمه و مجازات متخلفین و. . . نمونه‌ای از اعمال حاکمیت هستند و در مورد آنها اصل بر این است که توسط خود دولت انجام می‌شوند؛ در قرن حاضر به علت مداخله دولتها در مسائل اقتصادی، اجتماعی و. . . بار مسئولیت دولت‌ها بسیار سنگین و پیچیده شد، که با وجود این وظایف مهم دیگر دولتها نمی‌توانند به تنهایی تمام امور را اجرا و کنترل نماید، از اینرو لازم است به یاری خدمات عمومی سازمان‌های غیردولتی و تحت نظارت دولت انجام شوند. سازمانهای حرفه‌ای نمونه ای از این سازمانها هستند که در نتیجه ایجاد صنوف گوناگون و تشویق و حمایت دولت به منظور ارائه خدمات عمومی پدید آمده‌اند و برای انجام صحیح وظایفی که برعهده آنها گذارده شده است براساس قوانین مصوب از امتیازات ویژه مربوط به حاکمیت سود می‌برد. مشارکت این سازمانها در اعمال حاکمیت و اداره امور عمومی موجبات سبک شدن وظایف دولت مرکزی و ایجاد فرصت بیشتر برای پرداختن به امور مهم داخلی و بین المللی توسط دولت می‌گردد.

۳- تحدید آزادی قانونی مشاغل: دولت و مقامات اداری حق ندارند احدی را به داشتن شغل و پیشه معین مجبور نمایند و یا از اختیار شغل یا پیشه‌ای که دلخواه او است باز دارند، دولت نه تنها مکلف است که آزادی افراد را در اختیار و اداره کسب و تجارت آنها رعایت نماید، بلکه موظف است موجباتی را فراهم کندکه مردم بتوانند از آزادی و اختیار قانونی خویش استفاده نمایند، باید توجه داشت علیرغم اینکه منع عدول از قاعده آزادی مشاغل یک اصل پذیرفته شده است، اما این اصل مانع از آن نیست که قانونگذار اشتغال به پاره‌ای از مشاغل را به جهات وعلل مشروع ممنوع نماید، از علل مشروع که امروزه در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است مسئله برتری منافع و مصالح عمومی بر منافع شخصی است، اینگونه محدودیتها در نظام‌های حرفه‌ای پیش‌بینی شده و با ذکر حدود صنفی از اشتغال به افراد فاقد صلاحیت جلوگیری می‌شود. البته موارد دیگری هم می‌تواند موجبات تحدید این اصل را فراهم سازاد، بنابراین می‌توان گفت از دلایل عمده تشکیل نظام‌های حرفه‌ای و حمایت دولت از آنها، تحدید آزادی قانونی مشاغل بخاطر تامین و تضمین منفعت و مصلحت عمومی باشد. این کارویژه هم ناظر به دفاع از حقوق صنفی و حرفه‌ای اعضاء می‌باشد و هم تلاش در پیشبرد اهداف نظام حرفه‌ای و ارتقاء جایگاه هر حرفه یا شغل در عرضه عمومی را در برمی‌گیرد.

۴- تنظیم و تنسیق فعالیت‌های حرفه‌ای و شغلی اعضاء که در این مورد عملاً نظام حرفه‌ای بخشی از امور حاکمیتی است که از جانب دولت انجام می‌گیرد، یعنی به جای اینکه دولت برای نظارت و تنظیم فعالیت هر حرفه افرادی را به خدمت بگیرد و از این جهت هزینه‌های خود را افزایش دهد، این، مورد را به خود

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

آنها و تشکیلاتی که توسط آنها ایجاد می‌شود واگذار می‌کند و از این نظر هم دولت هزینه‌ها و بار و وظایف خود را کاهش می‌دهد و هم اینکه تبعات ناشی از نظارت و احیاناً اعمال مجازات به افراد را متحمل نمی‌شود و لذا از این نقطه‌نظر ایجاد نظام حرفه‌ای به نفع دولت است.

۵- حمایت از حقوق کسانی که به نوعی مصرف کننده کالاها و خدماتی هستند که توسط صاحبان حرفه‌ها و مشاغل ارائه می‌شود.

۶- از دیگر اهداف نظام حرفه ای می توان به تامین منافع دسته جمعی اعضا، کمک به اجرای برنامه سیاست اشتغال، جلوگیری از گسترش بی‌رویه ادارات و سازمانهای دولتی. ، ارتقاء فرهنگی، علمی و فنی اعضاء، رفع موانع و مشکلات متعدد فرا روی اعضا، انجام فعالیت تحقیقاتی در ارتباط با موضوع انجمن، نمایه‌ای از تحقق مردمی شدن نظام و حضور و مشارکت جامعه در تدوین سیاست‌ها، روش‌ها واستراتژی ها اشاره نمود.

ماهیت حقوقی، مشخصه‌ها و اصول نظامهای حرفه ای

گفتار اول- ماهیت حقوقی:

بند۱: تعیین نوع شخصیت حقوقی سازمانهای صنفی:

در این خصوص باید به مسائلی نظیر هدف، نوع فعالیت، میزان حاکمیت اراده و مسایلی از این قبیل توجه داشت و با توجه به عناصر تشکیل دهنده یک شخص صراحتا اعلام کرد که آیا شخص حقوقی مورد نظر، موضوع حقوق خصوصی است یا موضوع حقوق عمومی؟

در مورد سازمانهای صنفی با توجه به استقلال مالی و سازمانی، بعضی آنها را شخصیت حقوق خصوصی می‌دانند و بر مکمل گروهی نیز آنها را با توجه به نوع فعالیت، شخص حقوقی حقوق عمومی می‌دانند، شکی نیست که این سازمانها از نظر استخدامی و مالی تابع قوانین جاری مملکتی نظیر قانون استخدام کشوری و قانون محاسبات نیستند، افراد تشکیل دهنده اینها کارمند دولت محسوب نمی‌شوند، اموال متعلق به آنها جز اموال عمومی نیست.

و مسئله این خصوصیات از ویژگی‌های شخص حقوقی حقوق خصوصی است، اما باید توجه داشت که با دقت نظر در تشکیلات و وظایف این سازمانها به اصولی بر می‌خوریم که موجبات تغییر عقیده ما را فراهم می‌سازد، از جمله اینکه اولا در این تشکیلات اصل حاکمیت اراده وجود ندارد، بلکه اصل عضویت و تبعیت اجباری که از خصوصیات عمده‌ی شخص حقوقی حقوق عمومی است حاکم می‌باشد، ثانیا هدف این سازمانها تنها تامین نفع خصوصی نیست، بلکه آنچه مهم است تامین منافع عمومی و انجام امور عمومی است. ثالثا مهم ترین عاملی که به تنهایی نیز می‌تواند در جای دادن این سازمانها در ردیف شخصیتهای حقوقی حقوق عمومی موثر باشد مسئله شرکت در اعمال حاکمیت است، این سازمانها می‌توانند اعضا خود را محاکمه کنند یا مبادرت به صدور آیین نامه و. . . نمایند. بنابراین باید توجه داشت که اعمال حاکمیت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

وظیفه دولت است و اصل بر این است که دولتها از طریق ارگانهای خویش آنها را انجام می‌دهند و گاه به منظور سبک‌تر کردن بار مسئولیت خود، می‌توانند بعضی از امور مربوطه حاکمیت را با اجازه قانون به سازمانهای غیر دولتی تفویض نمایند، با توجه به اینکه بخش عمده از فعالیتهای سازمان‌های حرفه‌ای شرکت در اعمال حاکمیت است بدون توجه به سایر ویژگی‌ها و خصوصیات باید آنها را شخص حقوقی موضوع حقوق عمومی تلقی کنیم.

بند۲: قواعد حاکم بر سازمانهای صنفی:

امروزه کمتر شخص حقوقی موضوع عمومی یافت می‌شود که برای ادامه‌ی مسیر و حرکت خود ناگزیر از قراردادها و قواعد حقوق خصوصی نباشد، قواعد حاکم بر سازمانهای صنفی نیز اختلاطی از قواعد حقوق عمومی و حقوق خصوصی است و اجرای قواعد حقوق خصوصی منافاتی با نوع شخصیت حقوق عمومی آنان ندارد. البته باید توجه داشت که معاملات، اموال، روابط دائمی کارکنان، قراردادها و مواردی از این قبیل تابع ضوابط حقوقی خصوصی و تجارت است و قواعد حقوق عمومی مربوط به انجام وظیفه‌ی قانونی آنان می‌باشند.

مشخصه‌ها و کارکردها

بند۱. مشخصه‌ها

الف: شکل گیری این نظام ها غیر موقت است: اجتماعات را می توان به اجتماعات موقت و غیر موقت یا دایم تقسیم کرد اجتماعات موقت عمدتا برای اهداف مقطعی شکل می‌گیرد وسپس جمعیت گرد آمده پراکنده می‌شوند مانند راهپیمایی‌ها و تجمعات مذهبی و سخنرانی‌ها. اما اجتماعات دایم برای اهدافی که مستمر است شکل می گیرد مانند انجمن کانون و نظام های حرفه ای که به شکل دایم به وجود می آیند.

ب: عضویت در این اجتماعات اجباری است: پس از شکل گیری این نهادها افرادی که می‌خواهند به این شغلها بپردازند به شکل اجباری باید عضو این نهادها شده و از طرف آنها مجوز یا پروانه فعالیت بگیرند و تحت قوانین این نهادها باید رفتار کنند. این ویژگی با اصل ازادی عضویت در تشکلهای صنفی موضوع اصل ۲۶ قانون اساسی در ظاهر تعارض دارد، اما با در نظر گرفتن این نکته که نظامهای حرفه ای با ایجاد انظباط در میان اعضاء حرفه و تحمیل تحمیل قوانین و مقررات به انها به جریان نظم عمومی جامعه کمک شایانی می‌کند. به نظر میرسد که بتوان این تعارض را نادیده گرفت ◁این امر را به منزله یک استثناء در نظر گرفت. گذشته از این لازمه انتخاب هر شغل پذیرش قواعد و هنجارهای مربوط به ان شغل می باشد.

ج: سازمانهای صنفی از شخصیت حقوق برخوردارند: اجتماعاتی که صاحب هویت مستقل از اعظای تشکیل دهنده خود بوده. و ضمن برخورداری از شخصیت حقوقی، دارای اراده، حق، تکلیف و مسئولیت می‌باشند به اشکال مختلفی در اجتماع ظاهر می‌شوند که از مصادیق بارز آنها سازمانهای صنفی می‌باشند که

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ضمن دارا بودن اصلیت و صلاحیت قانونی اقامتگاه و تابعیت، صاحب اراده، اختیار، حق، تکلیف و دارایی خاص نیز بوده و می‌توانند در زندگی حقوقی و قضایی نیز شرکت جویند. قبلا ذکر شد که این نهادها شخصیت حقوقی داشته وبه عنوان شخص حقوقی حقوق عمومی محسوب می شوند و اختیاربرخی از اعمال حاکمیت به آنها داده شده از جمله این اعمال صدور پروانه برای اعضاء، پیگیری شکایت و تنبیه انتظامی اعضاء است.

د: وجود هیات مدیره: این نهادها به شکل هیات مدیره ایی اداره می شوند که توسط اعضاء و به شیوه رای گیری و انتخابات انتخاب می شوند.

ه: رژیم حقوقی نظام های حرفه ای مختلط است: بدین معنی که کار و فعالیت عمومی آنها تابع قواعد حقوقی حقوق عمومی و سازمان و امور استخدامی وقراردادهاو معاملات و محاسبات تابع تابع قواعد حقوق خصوصی است. مثلا سازمان نظام پزشکی یکی از نهادهای مدنی و اجتماعی است که توانسته در تامین بخشی از حقوق شهروندان و نگهبانی از ان نقش داشته باشد، این سازمان سازمان دارای یک شخصیت حقوقی مستقل است، لیکن دولت بر فعالیت ان نظارت دارد به همین دلیل دارای رژیم حقوقی خصوصی عمومی است.

بند ۲- کارکرد نظام‌های حرفه ای

نظامهای حرفه ای به دلیل نقشی که در ساماندهی مشاغل آزاد ایفا میکنند به منزله حلقه واسطی میان دولت و دولت و مردم انجام وظیفه می نمایند و از این طریق در ایجاد و رشد حیات مدنی در جامعه تاثیر به سزایی دارند در حقیقت نقش این نهادها در رشد و توسعه‌ی حیات مدنی در جامعه جایگاه والایی برای آنها در ایجاد و گسترش دموکراسی به ارمغان آورده است. مشاغلی که این نهادها به ساماندهی آن می پردازند از جمله ی مشاغلی هستند که نه در گروه حرفه های کارگری ونه در شمار مشاغل دولتی به حساب نمی آیند و هیچ مرجع ناظری نمیتواند به خوبی این نهادها به نظارت و سازماندهی این مشاغل بپردازد. این است که یک حلقه ی واسط میان دولت که ناظر بر امور جامعه و در حقیقت فرمانروا و حاکم کل کشور با فرمانبرانی که تحت حاکمیت دولت قرار دارند ایجاد می‌شود و از یک سو مانع خودسری فرمانروایان میگردد و از سوی دیگر به همین فرمانروایان در اعمال حکمرانی خوب کمک شایانی مینماید. از این رومیتوان گفت که نقش نظامهای حرفه ای در بهبود کمی و کیفی ایجاد حاکمیت شایان توجه میباشد. به علاوه نظامهای حرفه ای از تمرکز امور اجرایی در نهادهای دولتی کاسته و مانع از تداخل و به هم ریختگی امور در جامعه می گردد و بدین ترتیب معایب نظامهای سیاسی و اقتصادی مبتنی بر نقش مطلق دولت را به حداقل میرساند. در همین راستا زمینه ی تعامل مردم با دولت در اجرای بهتر وظایف اجتماعی از طریق مشاغل تحتع مدیریت نظامهای حرفه ای فراهم گردیده و از ظرفیتهای بخش خصوصی در اعمال بهتر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

حاکمیت دولت و ایجاد نظم در کشور استفاده ی بهینه به عمل می آید و خدمات اینگونه نظامها در زمره خدمات عمومی به شمار می رود.

امروزه در اکثر سیستم های حکومتی، تأسیساتی که دارای شخصیتی مجزا از سازمان های حکومت مرکزی می باشند، برای اداره وظایف عمومی ایجاد شده اند. این سازمان ها ابزارهای مؤثری برای حکومت مرکزی میباشند که به منظور انجام وظایف اجرایی و عمومی تخصصّی که نیازمند استقلال و دور بودن از مسائل سیاسی است، ایجاد گردیده اند. نظامهای حرفه ای دارای اختیاراتی است که بعضی ماهیت اداری و بعضی ماهیت قضایی دارد.

الف: اختیارات دارای ماهیت اداری:

نظام حرفه ای حق وضع مقررات را دارا است که این مقررات برای اعضا حرفه ای اجباری هستند، این اختیار تا حدود زیادی وسیع است، بعضی از انها فقط حق پیشنهاد مقررات را داراند و بعضی دارای اختیار کامل وضع مقررات هستند. اختیارات نظام می تواند ازادی فردی اعضا را محدود کند، نظام دارای حق اخذ تصمیمات فردی است که به اعضا صنف تحمیل می شود و این تصمیمات اعمال اداری هستند.

ب: اختیارات دارای ماهیت قضایی:

نظام موظف به مراقبت از اعضا از لحاظ انظباطی است، نظام میتواند مجازاتهایی را حتی تا اخراج عضو که ممنوعیت از انجام حرفه را به دنبال دارد اعمال کند. بنابراین در هنگام رسیدگی به تخلفات انتظامی اصول اساسی ایین دارسی باید رعایت شود.[۴]

گفتار چهارم- اصول حاکم بر نظامهای حرفه ای

بند۱: اصل سلسله مراتب:

این یکی از اصول مشترک غالب نظامهای صنفی است، با مراجعه قوانین مربوط سازمانهای صنفی مختلف می توان مصادیقی از این اصل را عمدتا در بین ارکان کلی یک نظام در سطح کشور و بعضا در بین ارکان سازمانهای شهرستان یا استان جستجو کرد. مثل اینکه این سلسله مراتب از هیات مدیره شروع می شود و به افراد عضو در ان نظام می رسد. به عنوان نمونه در نظام مهندسی ساختمان میتوان از اراء شورای انتظامی استان به شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی اعتراض کرد.

۱. رضایی زاده، محمد جواد، حقوق اداری، نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بند۲- اصل عضویت اجباری:

اصولا عضویت در سازمانهای حرفه ای اختیاری نیست، تمام افرادی که به ان حرفه اشتغال دارند ناگزیر از عضویت در ان سازمان می باشند در غیر اینصورت عملا نمی توانند به فعالیت بپردازند، و این اصل تا زمانی است که فرد به ان فعالیت خاص در ان صنف ارائه می دهد. نتیجه این اصل ایجاد نظم و انظباط در بین دارندگان مشاغل گوناگون خواهد بود. مثلا کلیه کارشناسان عضو کانون تابع مفررات مربوطه و نظامات کانون می باشند. این اصل یکی از اصول مشترک غالب سازمانهای صنفی است، با مراجعه به قوانین مربوط به سازمانهای صنفی مختلف می‌توان مصادیقی از این اصل را عمدتا در بین ارکان کلی یک نظام در سطح کشور و بعضا در بین ارکان سازمانهای شهرستان یا استان جستجو کرد.

بند۳: اصل استقلال:

اصل استقلال از اصول مشترک همه سازمانهای صنفی است، معهذا باید توجه داشت که این در همه سازمانها به طور یکسان دیده نمی‌شود. بعضی از سازمان‌های صنفی به علت اینکه تحت کنترل شدید دولت می‌باشند، علیرغم اینکه دارای کانون، هیئت مدیره و غیره می‌باشند ولی از استقلال کمتری برخوردارند، بعنوان مثال کانون سردفتران و دفتریاران از استقلال کمتری نسبت به سایر سازمانهای صنفی برخوردار است. به هرحال سازمانهای صنفی از استقلال نسبی برخوردار بود. و نمونه‌های خوبی از عدم تمرکز خدمات عمومی می‌باشند. در زیر هدف از استقلال و موارد استقلال را بررسی می کنیم:

۱- هدف از اعطای استقلال:

الف: فراهم اوردن زمینه مساعد جهت فعالیت اصناف بدور از مداخلات سیاسی: اصولا وظیفه تشکیلاتی که به منظور ارائه خدمات عمومی روزمره سازمان یافته‌اند این است که به منظور جلب رضایت عموم و انجام خدمات به نحو احسن از درگیر شدن در مسائلی که موجبات کندی آنها فراهم می‌سازد نظیر امور سیاسی و غیره اجتناب ورزند

ب: جلوگیری از بروکراسی اداری در تشکیلات صنفی: از دلایل عمده اعطای استقلال به این تشکیلات این است که این سازمانها از قوانین و مقررات یکنواخت که مبنای جریان امور اداری را در بعضی از ادارات دولتی تشکیل می‌دهند رهایی یافته و در اجرا برنامه‌های خود ضمن برخوردارای از آزادی عمل، روندی را برگزینند که مبتنی به سهولت و تسریع جریان امور باشد.

ج: مشارکت فعالتر مردم در تعیین سرنوشت حرفه‌ای خود: در قانون اساسی کشورما این مسئله بعنوان یک اصل عمومی در اصول متعدد پیش بینی شده است اعطای استقلال به این سازمانها که خود نمونه‌ای از عدم تمرکز فنی یا محلی است ضمن اینکه موجب سبک‌تر شدن بار مسئولیت دولت می‌شود، از نظر مالی نیز به صرفه و صلاح دولت خواهد بود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲- موارد استقلال: استقلال سازمانهای صنفی از جهات مختلف قابل بررسی است، از جمله:

الف: استقلال سازمانی: سازمان‌های صنفی از نظر سازمانی از استقلال برخوردار می‌باشند چرا که اولا اداره کنندگان این سازمانها منتخب اعضا هستند، ثانیا تشکیلات اداری سازمانهای صنفی مربوطه به دولت نیست، و از آنجاییکه اداره کنندگان این سازمانها غالبا مستخدم دولت نیستند، لذا از نظر استخدامی و سایر مسائل مربوط به آن تابع قواعد و مقررات حقوقی عمومی نمی‌باشند. وجود یک سلسله مراتب خاص نشان دهنده استقلال یک تشکیلات است، نظامهای حرفه ای نیز از این قاعده مستثنی نیستند اعضاء این تشکیلات با انتخاب گروهی به عنوان اداره کنندگان این حرفه در حقیقت نوعی سلسله مراتب ایجاد می کنند که این سلسله مراتب در بالاترین رده خود به عنوانی از قبیل رییس هیت مدیره و. . . ختم میگردد، اگر دولت یا هر نهاد دیگری بر این نهادها نظارت دارد این نظارت از باب کنترل تشکیلات است و نه سلسله مراتب تشکیلاتی.

ب: استقلال مالی: سازمانهای صنفی از نظر مالی نیز از استقلال برخوردار می‌باشند، اموال سازمانهای صنفی اموال دولتی نیست و از نظر حقوقی تابع قواعد حقوق خصوصی است، بودجه این سازمانها عمدتا از طریق حق عضویت اعضا دریافت حق الزحمه در قبال ارائه خدمات کارشناسی و مشورتی و درصدی از دستمزد اعضا تامین می گردد. تنظیم و گاه تصویب بودجه سازمان نیز در اختیار خود سازمان است.

ج: استقلال در تصمیم گیری: این سازمانها غالبا در تصمیم گیری‌های خود از استقلال برخوردارند و می‌توانند پیرامون امور مختلف سازمان از قبیل مقررات مربوط به پذیرش اعضا جدید، حق عضویت، مسائل رفاهی، انظباطی و غیر اتخاذ تصمیم نموده و گاه اقدام به صدور آیین نامه، تصویب نامه، بخشنامه و غیره نمایند، البته این استقلال نسبی است چون پاره‌ای از این تصمیمات پس از تایید نهایی مقامات دولتی قابل اجرا است، به عنوان مثال کانون کارشناسان رسمی آیین نامه انواع تخلفات کارشناسی و میزان مجازات کارشناسان را تهیه می کند که پس از تصویب وزیر دادگستری قابل اجرا خواهد بود.

جایگاه نظام‌های حرفه‌ای در حقوق

بند ۱- جایگاه نظام‌های حرفه‌ای در حقوق عمومی

از آنجا که بررسی روابط میان اشخاص حقوقی خصوصی و نهادهای عمومی محور مباحث رشته حقوق عمومی را تشکیل می‌دهد و نهادهای حرفه‌ای با ساماندهی مسائل مربوط به حرفه‌ای خاص به دولت‌ها در نظم بخشیدن به امور اصناف کمک شایانی می‌رساند بنابر این بررسی مسائل مربوط به نظام‌های حرفه ای در حقوق عمومی از اهمیت شایان توجهی برخوردار می‌باشند. از سوی دیگر نهادهای حرفه‌ای به نوعی به انجام خدمات عمومی مشغول می‌باشند چرا که امور مربوط به این اصناف جلوگیری می‌نمایند و از این رهگذر به ایجاد نظم و امنیت در جامعه یاری می‌رسانند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

با توجه به آنچه که گفته شد ایا نهادها یا مجموعه‌های حرفه‌ای در زمره قوانین حقوق عمومی قرار می گیرند و یا در شمار موسسات عمومی به شمار می‌آیند؟

مطابق تعریف نظام‌های حرفه ای، این سازمانها به دلیل هدف عمومی که دنبال می کنند و خدمات عمومی که ارایه می دهند و در خدمت فرد معینی نیستند این سازمانها در زمره موسسات عمومی قرار دارند، منتها با این ویژگی که هدف و فعالیت این نوع موسسات عمومی پیرامون سازماندهی مشاغل و حرفه های خاصی می باشند، البته قوانینی که بدین منظور تصویب می شوند و محور انها مباحث مربوط به سازماندهی حرفه یا حرفه های خاصی است به دلیل انکه تعیین کننده حقوق و تکالیف عمومی در برابر منافع خصوصی هستند در زمره قوانین مربوط به قوانین عمومی قرار می گیرند.

بند دوم: ساختار وارکان سازمانهای صنفی:

ازانجا که داشتن ارکان مناسب یکی از لازمه های تحقق اهداف و انجام کارکردهای هر مجموعه می باشد نظامهای حرفه ای نیز میبایست دارای ارکان مناسیب به منظور تحقق بخشیدن به اهداف و انجام وظایف خود باشد، البته به دلیل اشتراک پاره ای از اهداف ها و یا نیاز به وجود زیرساختهای اولیه در نظامهای حرفه‌ای که برای تمام سازمانهای حرفه ای ضرورت دارد برخی از ارکان این قبیل سازمانها با یکدیگر مشابهت‌های فراوان دارد اما به دلیل تفاوت در بخش اعظمی از فعالیتها وجود درکانهای خاص هر سازمان غیر قابل اجتناب به نظر می رسد.

الف: ارکان مشترک سازمانهای صنفی ویژه:

۱- مجمع عمومی: مجمعی است که از ارکان مشترک اکثر سازمانهای صنفی مثل کانون وکلاءّ کارشناسان رسمی، سازمان نظام مهندسی استان می‌باشد و از اجتماع اعضاء سازمان مربوطه تشکیل می‌گردد، غالباً کلیه اشخاص حقیقی که براساس ضوابط مقرر به عضویت سازمان پذیرفته شده‌اند، حق شرکت در تصمیم‌گیری و حق رای دارند، مجمع عمومی در نظام مهندسی و کانون کارشناسان سالی یکبار و در کانون وکلاء هر دوسال یکبار به طور عادی تشکیل می‌گردد و به طور فوق‌العاده نیز هر زمانی که اقتضا کند طبق قوانین مربوطه تشکیل می‌گردد. دعوت به تشکیل جلسات مجمع عمومی در کانون است، از مهمترین وظایف مجمع یا هیئت عمومی انتخاب هیئت مدیره است، علاوه بر انتخاب هیئت مدیره در بعضی دیگر از نظامهای صنفی مثل نظام مهندسی ساختمان و کانون تعیین خط مشی و برنامه‌های آینده سازمان، بررسی و تصویب بوجه سال آینده و ترازنامه سال گذشته، بررسی و تصویب گزارش هییت مدیره و اظهارنظر نسبت به آن و سایر مواردی از این قبیل. دعوت به تشکیل مجمع عمومی عموماً بوسیله انتشار آگهی در یکی از نامه‌های کثیرالانتشار و با ارسال دعوت نامه با پست سفارشی بعمل می‌آید و معمولاً دستور جلسه در متن آگهی دعوتنامه قید می‌شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲- هیئت مدیره: هیئت مدیر از ارکان مشترک همه سازمانهای صنفی ویژه است، نماینده قانونی سازمان بوده و می‌تواند در امور سازمان تصمیم‌گیری نماید. علاوه بر اینکه هیئت مدیره دارای یک رییس می‌باشد، در بیشتر سازمانهای دارای نایب رییس، خزانه‌دار، منشی و بعضاً دبیر یا بازرس خواهد بود که معمولاً از بین اعضای هیئت مدیره و برای مدت معین انتخاب می‌شود، مدت خدمت هیئت مدیره در کانون کارشناسان، نظام مهندسی ساختمان و نظام پزشکی ۴ سال، در کانون وکلاء ۲ سال و در کانون سردفتران اسناد رسمی ۳ سال می‌باشد. هیئت مدیره توسط مجمع یا هیئت عمومی انتخاب می‌شود.

از وظایف هیئت مدیر می‌توان موارد زیر ذکر کرد:

الف- فراهم آوردن موجبات پیشرفت علمی و عملی اعضاء

ب- تنظیم امور اداری و مالی سازمان

ج- همکاری با سازمانهای دولتی

د- ارسال موارد تخلف اعضاء به مراجع انتظامی پیش‌بینی شده در قانون

ه- نظارت بر فعالیت اعضاء

و- برگزاری انتخابات بعدی سازمان

ی- انجام امور مربوط به مسائل رفاهی اعضاء و غیره.

۳- مراجع انتظامی: منظور مراجعی هستند که به تخلفات صنفی اعضاء رسیدگی می‌کنند و با نامهای دادگاه، شورا، هیئت‌های انتظامی در نظامهای صنفی ویژه از آنها یاد می‌شود. در بعضی از نظامهای صنفی در کنار این مراجع دادسرا هم وجود دارد.

انتخاب قضات مراجع انتظامی و دادسرا عموماً توسط هیئت مدیره یا مجمع عمومی و گاه با دخالت مستقیم دولت صورت می‌گیرد. در سازمان نظام مهندسی استان شورای انتظامی از ۳ عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل، منتخب از بین اعضاء سازمان مربوطه برای مدت ۴ سال تشکیل می‌شود، بدین ترتیب که انتخاب یک عضو اصلی و یک عضو علی‌البدل به هیئت مدیره و انتخاب بقیه به عهده اعضای سازمان است. در کانون وکلا و کارشناسان رسمی و نیز دفترداران و سردفتران، علاوه بر دادگاه انتظامی دادسرا نیز وجود دارد. دادسرای انتظامی که مرکب از دادستان و تعدادی دادیار می‌باشد مرجع رسیدگی مقدماتی به تخلفات اعضاء و تعقیب آنان می‌باشد و دادگاه و مرجع رسیدگی نهایی یا مرجع رسیدگی به تقاضای تعقیب است.

ب: ارکان خاص سازمان صنفی ویژه:

منظور از ارکان خاص ارکانی هستند که بین همه یا اکثریت سازمانهای صنفی مشترک نمی‌باشند، بلکه خاص یک سازمان صنفی هستند. در بین سازمانهای صنفی ویژه که مورد بحث ما می‌باشند، در دو نظام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

کارشناسان رسمی و نظام مهندسی ساختمان شاهد ارکان خاص می‌باشیم، که در کانون کارشناسان عبارتند از بازرسان و شورای کارشناسی و در نظام مهندسی، مجامع تخصصی می‌باشند:

۱- بازرسان: در بیشتر نظامهای صنفی، بازرسی و ناظر وجود دارد که به طور موقت یا برای مدت معین از سوی سازمان مربوطه برای انجام امور بازرسی انتخاب می‌شوند و معمولاً بازرسان جزء هیئت مدیره می‌باشند، معهذا در هیچ یک از قوانین مربوطه به نظامهای صنفی ویژ به غیره از لایحه قانونی مربوطه به استقلال کانون کارشناسان رسمی، صراحتاً بازرسان جزء ارکان نظام پیش‌بینی نشده‌اند در این نهاد بازرسان در کنار هیئت مدیره، مجمع عمومی، شورای کارشناسی، دادسرا و دادگاه انتظامی ارکان شش‌گانه کارشناسان می‌باشند. گرچه در اکثر قوانین مربوط به نظامهای حرفه ای وجود رکن بازرسی مورد اشاره قرار نگرفته است و تنها در دو مورد به وجود این رکن تصریح گردیده است، به دلیل نیاز این سازمانها به نوعی نظارت درونی که از رهگذر وجود رکن بازرسی محقق می گردد این را می توان در زمره ارکان عمومی هم تلقی کرد.

۲- شورای کارشناسی: این شورا از روسا یا نمایندگان رشته‌های مختلف کارشناسی با انتخاب کارشناسانه رشته تشکیل می‌شود، وظایف این شورا عبارت است از مطالعه و اظهارنظر درباره رشته‌های مختلف کارشناسی، تهیه و تدوین طرحهای اسلامی در رشته‌های مختلف کارشناسی و پیشنهاد آن به هیئت مدیره، مطالعه و اظهارنظرهای مشورتی درباره موضوعاتی که از طرف هیئت مدیره به آنها ارجاع می‌شود.

۳- مجامع تخصصی: این مجامع از ارکان خاص نظام مهندسی ساختمان می‌باشند که در کنار هیئت مدیره، مجمع عمومی و شورای انتظامی تشکیل دهنده ارکان چهارگانه نظام فوق‌الذکر می‌باشند، طریقه تشکیل مجامع فوق‌الذکر به این شکل است که اعضای سازمان هراستان در هریک از رشته‌های پنج‌گانه مهندسی، معماری ساختمان، تاسیسات مکانیکی، تاسیسات الکتریکی و شهرسازی که حداقل به ۵ نفر بالغ شود می‌توانند مجامع تخصصی رشته خود را تشکیل دهند. هیئت مدیره مکلف است قبل از تصمیم‌گیری در اموری که اختصاصاً مرتبط با یکی از رشته‌های پنج‌گانه است نظر مجمع تخصصی مربوطه را استعلام نماید و آنرا در تصمیم‌گیریهای خود ملاک عمل قرار دهد. عضویت با شرکت اعضاء هیئت مدیره مربوطه به هریک از رشته‌ها در مجمع تخصصی آن رشته‌ها را در امور مربوطه به عهده خواهند داشت. در صورتی که هیئت مدیره بدون نظرخواهی از مجامع تخصصی در اموری که اختصاصاً مرتبط با یکی از رشته‌های پنج‌گانه است تصمیم‌گیری نماید، یا نظر مجمع تخصصی را در تصمیم‌گیری خود ملاک عمل قرار ندهد. رئیس یا نایب رییس مجمع تخصصی می‌توانند از شورای مرکزی تقاضای رسیدگی و تعیین تکلیف نموده و نظر شورا در این مورد قطعی و لازم‌الاجراست.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

روابط نظام حرفه‌ای با اعضاء و دولت و بالعکس

سازمان صنفی به عنوان یک مجموعه سازمان یافته و همچنین تک تک اعضا به عنوان افراد تشکیل دهنده سازمان در قبال دولت دارای وظایف متعددی می‌باشند از سوی دیگر دولت نیز در برابر مجموعه سازمان و همچنین اعضا نقشهایی ایفا می‌نماید، بررسی وظایف متقابل دولت در قبال سازمان و اعضا و همچنین بررسی وظایف سازمان و اعضا در قبال دولت عمده مباحث این بحث است:

گفتار اول: نقش سازمان و اعضاء در قبال دولت:

بند۱: وظیفه سازمان در قبال دولت

الف: شهرداریها، مراجع قضایی و انتظامی و سایر نهادها و ارگانهای دولتی برای پیشبرد امور خود ناگزیر از همکاری با سازمانهای صنفی هستند، در این چنین مواردی سازمانهای مربوطه نه تنها موظف به همکاری با مراجع مذکور می‌باشند بلکه باید زمینه‌ی اجرای برنامه‌های آنان را نیز فراهم نمایند، عمده‌ترین این موارد در زمینه‌های، امنیتی، قضایی، بهداشتی، عمرانی و آموزشی می‌باشند. مثلا سازمانهای صنفی با ادارات امور اقتصادی و دارایی در زمینه های مربوط به تعیین میزان و وصول مالیات مشاغل و حل اختلاف مالیاتی عموما از طریق اعزام نماینده به کمیسیونهای مالیاتی و. . . همکاری می کنند.

ب: اظهار نظرهای مشورتی و کارشناسانه: علاوه بر همکاری عملی سازمانهای صنفی با مراجع دولتی، گاه مقامات دولتی پیش بینی شده در قانون به جهات مختلف درخواست اظهار نظرهای مشورتی یا کارشناسی از سازمانهای صنفی می‌نمایند، در این قبیل موارد سازمان مربوطه موظف است نظر خود را به طور صریح و قاطع به مراجع ذیصلاح اعلام نمایند.

ج: کسب اجازه از دولت: درپاره ای از موارد این سازمانها مکلفند، قبل از اینکه تصمیمی اتخاذ نمایند یا عملی را انجام دهند نظر مساعد نهادها و موسسات دولتی را جلب نمایند، مثل مراجع صدور پروانه کسب در مورد واحد صنفی مشمول آیین نامه اماکن عمومی موظفند قبل از صدور پروانه نظر پروانه نظر نیروی انتظامی را استعلام نمایند. اصل بر گرفتن مجوز است چون این امور با نظم عمومی و منافع جامعه ارتباط دارند این موضوع با اصل اباحه تعارضی ندارد، چرا که در این مورد پای نظم عمومی و پیش گیری از اختلال احتمالی یک فعالیت در جامعه از رهگذر نظارتی که دولت در هنگام اعطای مجوز به عمل می‌آورد در میان است.

بند۲: وظیفه اعضا در قبال دولت:

الف: همکاری با ارگانهای دولتی به علاوه بر سازمانها، تک تک اعضا نیز بعضا موظف به همکاری با نهادهای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

دولتی می‌باشند. مثلا اگر از سوی دولت از یکی از کارشناسان رسمی دادگستری یا نظام مهندسی ساختمان در خواست کارشناسی و اظهار نظر کارشناسی شود، اعضائ موظف به همکاری می باشند.

ب: کسب اجازه از دولت: افراد واحدهای صنفی علیرغم اینکه تحت نظامات اتحادیه یا سازمان صنفی خود می‌باشند، درباره از موارد مکلفند پس از کسب اجازه از مقامات دولتی مبادرت به فعالیت نمایند، به عنوان مثال در نظام سردفتران و دفتر یاران در صورتیکه سردفتر قصد تغییر محل دفترخانه در همان شهر داشته باشد باید از اداره‌ی ثبت محل کسب اجازه نمایند.[۵] البته این با اصل استقلال این نهادها در تعارض می باشد اما در بعضی موارد به خاطر اهمیت ویژه بعضی از این نهادها از حیث مختل نشدن نظم عمومی نیاز به کنترل و اجازه از دولت می باشد.

ج: پرداخت مالیات:یکی از طرق پذیرفته شده در اکثر کشورهای جهان کمک به هزینه ها و مخارج دولت تحت عنوان مالیات می باشد. در کشور ما نیز افراد صنفی با توجه به نوع فعالیت و حرفه خود و با توجه به قانون مالیاتهای مستقیم موظف به پرداخت مالیات می باشند.

گفتار دوم: نقش دولت در قبال سازمان و اعضاء:

بند۱: وظایف دولت در قبال سازمان

الف: فراهم آوردن زمینه برای تشکیل سازمانهای صنفی: وقتی حد نصاب واحدهای صنفی به میزان مقرر شده در قانون برسد دولت موظف است به منظور تشکیل سازمانهای صنفی همکاری لازم را مبذول دارد:

ب: کنترل سازمانهای صنفی: لزوم کنترل کلیه نهادها و سازمانهای موجود در یک اجتماع از سوی دولت، موضوعی است که امروزه مورد پذیرش اکثریت علماء جامعه شناسی، علوم سیاسی و حقوق است به علاوه بر مسئله نظام، گاه دلایل دیگری نظیر اهداف مالی، اجتماعی و. . . دولتی را وادار به کنترل نهادهای موجود در یک جامعه می‌نماید، البته این کنترل زمانی می‌باشد که گاه فعالیتها و برنامه‌های سازمان صنفی که در قالبهای گوناگون ظهور پیدا می کند در تعارض با منافع عمومی قرار گیرد.

نظارت دولت به طریق نظارت ابتدایی، نظارت هنگام انتخاب اداره کنندگان، نظارت در حین فعالیت انجام می‌پذیرد.

بند۲: نقش دولت در قبال اعضاء:

الف: صدور پروانه اشتغال یا مجوز شروع به کار: صدور پروانه اشتغال یا مجوز شروع به کار درپاره‌ای از مشاغل مطابق قانون بر عهده دولت واگذار شده است مثلا در نظام مهندسی ساختمان کسانی‌که دارای مدرک تحصیلی لیسانس یا بالاتر یا معادل آن در هر یک از رشته‌های معماری، ساختمان، شهرسازی و

---

۱. ماده‌ی ۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۵۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

سایر رشته‌های مرتبط می توانند از وزارت مسکن تقاضای صدور پروانه اشتغال به کار مهندسی را نمایند. که البته این نقش عمومیت ندارد.

ب: نظارت بر افراد یا واحدهای صنفی: علاوه بر اینکه خود سازمانهای صنفی به عنوان یک مجموعه تحت نظارت و کنترل می‌باشد در پاره‌ای از موارد قانونگذار اجازه داده است که فعالیت افراد یا واحدهای صنفی نیز مستقیما توسط دولت تحت نظارت قرار بگیرد، مثلا از طریق سازمان بازرسی و نظارت به قیمت و توزیع کالا.

نظام صنفی و اعضاء:

بنداول: وظایف سازمان در قبال اعضاء:

الف: تنظیم مقررات مربوط به بودجه سازمان، مقررات مربوطه به پیشرفت علمی و عملی اعضا، تنظیم مقررات مربوط به بعضی از کمیسیونهای فعال سازمان، مقررات مربوط به انتخاب هیئت مدیره، مقررات مربوط به تعیین حدود صنفی و غیره در اختیار خود سازمان است که در تنظیم این مقررات سازمانهای صنفی ملزم به رعایت اصول و مبانی حقوقی نظیر رعایت اصل ازادی مشاغل و غیره می باشد.

ب: پذیرش اعضا جدید که در نظام صنفی عادی و ویژه متفاوت می‌باشد. اصولا هیچ کس حق ندارد بدون اجازه و تصویب مقام صلاحیتدار پیش بینی شده در قانون به حرفه ای اشتغال ورزد، بنابراین اگر فردی بخواهد به حرفه ای اشتغال ورزد ناگزیر باید مجوز اشتغال در ان حرفه را کسب کند، مثلا در نظام صنفی عادی هرکس بخواهد یک واحد صنفی ایجاد کند باید قبل از هر کاری تقاضای خود را تسلیم اتحادیه مربوطه نماید و اتحادیه های مربوطه هم پس از بررسی نظر خود را اعلام می نماید. یا در نظام صنفی ویژه به عنوان نمونه متقاضیان دریافت پروانه رسمی کارشناسی دادگستری پس از اینکه کانون کارشناسان مبادرت به انتشار اگهی سالیانه نمود می توانند تقاضای خود را به دفتر نظام مربوطه تسلیم نمایند و پس از بررسی توسط هیات مدیره در کمیسیون تشخیص در صورت تصویب صلاحیت متقاضی، پروانه کاراموزی به نام وی صادر می‌گردد. در بعضی از صنوف مثل پزشکی و نظام مهندسی صدور مجوز توسط دولت صورت می گیرد.

ج: نظارت بر اعضا: نظارت بر اعضا از مصادیق کنترل سازمانی و از مهمترین وظایف سازمان در قبال اعضا است هدف از کنترل سازمانی اطاعت از قوانین و مقرارت و پیروی از دستورات است. شیوه‌های نظارت در نظام صنفی عادی با نظام‌های صنفی ویژه فرق می‌کند: نظارت در سازمانهای صنفی عادی از طریق کمیسیون بازرسی، بازرسان و ناظران کمیسون نظارت، بازرسان اتحادیه‌ها انجام می‌گیرد، در حالی که نظارت به رفتار اعضاء در نظامهای صنفی ویژه عموما از وظایف هیئت مدیره سازمان و بعضا روسای کانون است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

د: مجازات اعضا متخلف: از دیگر وظایف سازمانهای حرفه‌ای اعمال مجازات در خصوص اعضای متخلف می‌باشد.

ه: حمایت از اعضا: وظایف سازمانهای صنفی تنها محدود به مسائل شغلی و انظباطی نمی‌شود، سازمان صنفی علی القاعده در برابر اتهامات بیجا از اعضا خود حمایتهای لازم را از طریق حمایتهای مالی و غیر مالی به عمل می‌آورد.

و. ارشاد و راهنمایی اعضا: سازمان وظیفه دارد اعضا را به طرق مقتفی در انجام صحیح وظایف ارشاد نماید.

بند دوم: وظایف اعضا در قبال سازمان:

مهمترین این وظایف عبارتند از رعایت نظامات سازمان به پرداخت حق عضویت و همکاری با سازمان، کسب اجازه، از سازمان در پاره از موارد مثل اینکه پزشک حق تعطیل غیر موجه مطب را بدون اطلاع سازمان نظام پرشکی ندارد و در صورت انجام این عمل، متخلف محسوب و به مجازاتهای مقرر محکوم می‌گردد. اصل بر این است که اعضاء باید از خود سازمان مجوز بگیرند یا برای مواردی که لازم باشد کسب اجازه نمایند و این با مواردی که نیاز می باشد از دولت کسب اجازه کرد منافاتی ندارد.

نتیجه گیری

از دیدگاه حقوقی این نهادها به شکل اشخاص حقوقی می باشند که منشا خود را از قوانین می گیرند اما این اشخاص در حوزه حقوق عمومی هستند یا خصوصی یعنی قوانین حاکم بر آنها قوانین حاکم بر اشحاص حقوق خصوصی (قوانین حاکم بر روابط اشخاص) است یا قوانین حاکم بر حقوق عمومی (قوانین حاکم بر روابط مردم و دولت وسازمانهای دولتی با یکدیگر) ؟ این نهادها از منظر حقوق عمومی جایگاهی دارند بین دولت و مردم تا روابط آسانتری بین این دو نهاد شکل بگیرد . . ." .جایگاه حقوقی این انجمنها و مجامع صنفی را می‌توان از نظر حقوق عمومی به عنوان نهادهای واسطه محسوب کرد. قوانینی که براین نهادها بار می‌شود نیز قوانین حقوق عمومی است با توجه به اهمیت این نهادها و شکل‌گیری آنها توسط قانون، همین قانون به این نهادها اختیاراتی داده از جنس اختیارات حکومت پس قاعدتا قوانینی هم که بر این نهادها حکم می کند از جنس قوانینی است که بر اعمال حکومتی حاکم است به این دلیل این نهادها را اشخاص حقوقی حقوق عمومی می دانند "نظام های حرفه ای را موسسات عمومی یا اشخاص حقوقی حقوق عمومی محسوب می کنند و قانونگذار برای تنظیم امور حرفه ای به این سازمان‌ها، اختیارات قدرت عمومی داده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آقا موسی تهرانی، رضا (۱۳۹۰)، سازمانهای غیر دولتی در نظام بین الملل، فصلنامه حقوقی، سال دهم
استوار سنگری، کورش، امامی، محمد، حقوق اداری، نشر میزان، ۱۳۸۸
ـ بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۹). جزوه دروس اصول محاکات حقوقی، کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
ـ جلالی، نائینی، سید محمد رضا (۱۳۵۵) الغای کاپیتولاسیون و تشکیل دادگستری نوین و کانون وکلا، مجله کانون وکلا، پاییز و زمستان.
ـ حجتی، سید مهدی (۱۳۹۳). مرور بر نحوه تشکیل کانون وکلای دادگستری در ایران، فصلنامه حقوقی، سال نهم، شماره ۷.
ـ دادخدا، سید علی(۱۳۹۱)، قانون « مانع» وکالت، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۵۰، زمستان.
ـ در نقد پیش نویس لایحه جامع وکالت رسمی(۱۳۹۱). مدرسه حقوق (خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان). شماره ۷۲.
ـ رضایی زاده، محمد جواد، حقوق اداری، نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۵
ـ سنگلجی، محمد (۱۳۸۰) آیین دادرسی در اسلام، به کوشش محمد رضا بندرچی، قزوین طه، چاپ ۳.
ـ شاهکار، محمد (۱۳۳۷). قانون استقلال کانون وکلای دادگستری، کانون وکلا، (مجله علمی – حقوقی انتقادی) سال ۵.
ـ شمس، عبدالله (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی پیشرفته، تهران، نشر آداک، جلد نخست.
ـ صبوری منوچهر، جامعه شناسی سازمان‌ها، نشر افتاب
ـ طباطبایی، منوچهر، حقوق اداری، مرکز چاپ وزارت خارجه، ۱۳۸۳
ـ طباطبایی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، جاپ یازدهم، زمستان ۱۳۸۴،
ـ طباطبایی موتمنی، منوچهر، ازادیهای عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۹
ـ قهرمانی، نصر الله؛ یوسفی محله، ابراهیم (۱۳۸۲). مجموعه کامل مقررات وکالت، تهرانف مجد، چاپ دوم.
ـ قهرمانی، نصرالله(۱۳۹۲). افکار عمومی یا دادگاه قانون اساسی، مدرسه حقوق، شماره ۷۹.
ـ کانون وکلا، (مجله علمی – حقوقی انتقادی) (آذر ۱۳۳۱). سال ۴. ش ۲۷
ـ کانون وکلا، (مجله علمی – حقوقی انتقادی) (دی ۱۳۳۱). سال ۴. ش ۲۸
ـ کانون وکلا، (مجله علمی – حقوقی انتقادی)(بهمن و اسفند ۱۳۳۱). سال ۴. ش ۲۹
ـ کشاورز، بهمن(۱۳۹۰). وکلا و کانون وکلا، تارنمای حقوقی اختبار.
ـ مدنی، جلال الدین، ۱۳۸۹، حقوق اداری، تهران، انتشارات جنگل.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ـ مظاهریان، حامد، معاون امور مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی، مصاحبه خصوص دخالت دولت در انتخابات نظام مهندسی، منبع دنیای اقتصاد

ـ موسی زاده، رضا، ۱۳۷۴، ، مبانی حقوق اداری، انتشارات شهر اب، چاپ اول.

ـ محسنی، حسن(۱۳۹۲). وکالت و کانون وکلای دادگستری نظام حقوقی. با دیباچه ناصر کاتوزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار.

ـ محسنی، حسن (۱۳۹۳). تحولات وکالت دادگستری و کانون وکلا؛ از تبعیت به استقلال، از استقلال به تبعیت، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۴

ـ هادی، عباس (۱۳۸۹). کانون وکلای دادگستری، سیر قانونی و تشکیلات، مقالات ارسالی به آفتاب، شنبه ۲۵ دی.

ـ هاشمی، سید محمد (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و نظام سیاسی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۲۴- ۲۳، پاییز – زمستان.

ـ هاشمی، سیدعلی (۱۳۸۷). تاریخ شکل گیری کانون وکلای دادگستری، روزنامه مردم سالاری، یکشنبه ۱۵ اردیبهشت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]